



تن  
ژیان، ئازادی  
تن  
زندگی، آزادی



**KJAR**



<https://www.kjar.online>



[kjar\\_2014](https://t.me/kjar_2014)



[kjaar2014](https://www.facebook.com/kjaar2014)



[kjardiplomasi@gmail.com](mailto:kjardiplomasi@gmail.com)



[kjarOnline](https://twitter.com/kjarOnline)



[kjar\\_2014\\_official](https://www.instagram.com/kjar_2014_official)

این اثر را به تمام شهدای انقلاب « زن، زندگی، آزادی » تقدیم میکنیم.

با نوشتن و گفتن شاید نتوان واقعیت یک شخصیت را آنطور که باید و شاید، بر زبان آورد. آیا قلم یارای آن را دارد که مرکب خویش را بر صفحه‌های سفید دفتر ریخته و از وصف جوانانی سخن بگوید که با خون خویش جنبش زن، زندگی، آزادی را آبیاری می‌نماید؟ یا آیا می‌تواند یاری‌دهنده باشد که از بزرگی و عظمت شهیدی بگوییم؟ چطور می‌توان با نوشتن چند کلمه جاودانگی یک شهید را توصیف و نامش را در لابلای صفحات تاریخ زنده نگه داشت؟ هرچه بگوییم و بنویسیم بدون شک کفایت آن را نخواهد نمود و وصفش نخواهد کرد. چطور می‌توان لبخندهای همیشۀ زنده‌ی یک مبارز راه آزادی را به قلم کشید، چطور می‌توان از روح عصیانگرش گفت، از انرژی روانی که در رگ و جانش جاریست و چون سحر اسرارآمیز طراوت و تازه‌گی‌ش را همیشگی می‌نمود، چطور از شجاعت و مقاومتش سخن به زبان آورد. شاید با کنارهم آوردن چندین کلمه و جمله اوصاف این ویژگی‌ها را نمود اما شک نداریم که آنچه واقعیت دارد تنها در لحظه‌ها نهفته هستند و با دیده‌ی درون می‌توانی دریابیشان.

**کمیته تحقیقاتی کژار**





ژینا (مهسا) امینی

۳۰ شهریور ۱۳۷۹ در شهر سقز چشم یه جهان گشود و در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ توسط رژیم ایران به قتل رسید.

ژینا امینی، دختری از دیار آربابا که مشعل فروزان تمام راه‌های نرفته شد. دختری که سمبل اتحاد و رمز زندگی آزاد گشت! نامت، همان زندگی است که حال معنامند تر شده است. نامت تمام مرزهای ساختگی حاکمیت مردسالار را در هم فرو شکست و ارتباط میان تمام تفاوت‌مندی‌ها را عمیق تر کرد! نمی‌دانی که دل کوردستان برای آذربایجان و بلوچستان می‌تپید و آذربایجان برای کوردستان، همیشه بیدارماند. این است رمز اتحاد و همبستگی. حال مادران‌مان، نام دختران‌شان را ژینا می‌نامند. نامی که زندگی بخش است. ژینا جان، شعارژن، ژن، آزادی حال ورد زبان تمام آزادیخواهان جهان گشته است. شعاری که ارتباط میان هر سه واژه، روز به روز احساس می‌شود. شعاری که فراتر از سه واژه به فلسفه‌ی زندگی مبدل گشته است. بعد از تو دختران دیگری راهت را ادامه دادند برای اینکه بگویند ژینا تو هرگز نخواهی مرد، نامت رمز می‌شود. رمزی که تا ابد همیشه جاودان خواهد گشت. نامی که صدای خانه و خیابان را یکی نمود. نامی که مملو بود از امید و آزادی در آینده.





مینو مجیدی

سال ۱۳۳۹ در قصر شیرین چشم به جهان گشود و در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ در کرمانشاه توسط رژیم غاصب ایران جان سپرد.

اول یار و آخر یار! این آنچه بود که تو بدان اعتقاد داشتی! بارها شنیده‌ایم که ای دل اگر عاشقی، در پی دلدار باش، تو دلدار بودی و به جمع یارانت پیوستی! داستان تو و دختری و تمام دختران این سرزمین، داستان همان شیرین کوردستان است! تو جان بخشییدی تا وصال‌مان را به آزادی ممکن تر سازی! کاش می‌دیدید دخترت چگونه ایستاده، با نگاهی رمزآلود، دستانش را مشت کرده بود. مینو جان، این جا کوردستان است و رسم نیست کسی برای شهید وطن، گریه کند! کسی برایت به سوگ ننشسته بود، زن و مرد یک صدا فریاد می‌زدند، ژن، ژیان، آزادی! و این یعنی سوگند به گیسویت، که راحت ادامه خواهد داشت!





## حدیث نجفی

زاده ۱۵ دی ۱۳۷۸ مهرشهر کرج و در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ توسط نیروهای رژیم فاسد ایران مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت و از شدت جراحات جان باخت.

این ویژگی خاص تمام مبارزان است که دشمن حتی از جنازه شان می ترسد و یا جنازه را پس نمی دهد، یا مرگ را عادی جلوه می دهد. این درحالی ست که وضعیت هیچ گاه عادی نبوده و نخواهد بود. هیچ گاه نه می تواند عادی بماند و نه عادی خواهد ماند. وضعیت واقعا اضطراری است.

حدیث جان

سخن، سخن مبارزه است، مقاومت است و خیزش! خاکی آباد است و زندگی آزاد! سراسر ایران به خیابان ریخته اند، این یعنی اینکه پشیمان نیستند ونخواهند گشت

این یعنی تا باشد زنانی مثل تو  
تا همه فریاد زن، زندگی، آزادی سردهند  
این قیام ادامه خواهد داشت





حنا نه کیا

حنا نه کیا کجوری دختر ۲۳ ساله‌ای بود که در اعتراضات سراسری ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ ایران، با اصابت گلوله نیروهای امنیتی به پهلویش در نوشهر کشته شد

نه گلوله تو را از پای درمی آورد و نه باتوم. نه ضربه ی دشمن تو را نابود می سازد و نه ما تو را فراموش خواهیم کرد. دختران جوانی مانند تو که این روزها سرنوشت می سازند. دختران جوانی مانند تو که این روزها تاریخ می نویسند. دختران جوانی مانند تو آن تعاریف کلاسیک را برای خود قبول نکرده و نمی کنند، چون خود تعریف می سازند. آری معنای جوانی همین است!





سارینا اسماعیل‌زاده

دختر ۱۶ ساله اهل مهرشهر کرج که در ۳۰ شهریور با ضربات باتوم به سرش توسط رژیم ایران جان سپرد.

سارینای عزیز، شاعر جوان

دختری که واژه‌ها را به خوبی در کنار هم می‌چید و ادبیاتی ساخت به نام ادبیات زندگی! ادبیاتی که دل‌های همه‌ی ما را بهم نزدیک می‌کرد. اشعاری که نگفته‌های دل من و تو بود. هرچه قدر که دشمن می‌خواست آن را در مرداب قرار دهد و دست و پایش را ببندد، اما واژه‌هایش پر کشیدند و برفراز آسمان شهر من و تو قرار گرفتند. ویژگی شعر همین است. حرف دل است و آن چه از دل برآید، بر دل نشیند.





نیکا شاکرمی

متولد ۱۰ مهر ۱۳۸۴ یکی از معترضان نوجوان شرکت‌کننده در جنبش سراسری که در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ توسط رژیم اشغالگر ایران جان سپرد.

نیکا، دختری از دیار لرستان، از تبار خورشید. دختری که فریاد تمام فریادهای سرکوب شده، بود. دختری که می‌خواند از من و تو و خودش و تمام هم‌نسل‌هایش. دختری که معنای واقعی هنر را برای‌مان بار دیگر یاد آور شد. هنری که بعض من بود و حسرت تو و اعتراض دیگری! صدایی که در اوج، به اوج می‌رسید. صدایی که هر فراز و نشیبش حامل معنای خاصی است. تو صدای تمام دخترانی شدی که حسرت خواندن ترانه در دل دارند. مرا انرژی بخشیدی که هیچ‌گاه کم نخواهد شد. تو با صدا و هنرت مانا شدی و نامیرا! می‌دانم که دختران لرستان، صدای شان از این پس رساتر خواهد شد. می‌دانم با انرژی که از تو گرفتند، از این پس یک دم از پای نخواهند نشست. تو برای زن، برای زندگی و آزادی خواندی! پیکر خمیت به سرزمین مادریت رهسپار می‌شود تا برای همیشه در دامنه‌های زاگرس بیارامی.





## غزاله چلاوی

متولد ۱۳۶۸ در شهر آمل چشم به جهان گشود او در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ برای اعلام همبستگی خود به تمام ایران توسط نیرو های دیکتاتور ایران با اصابت گلوله جان باخت.

غزالی بر فرازکوههای البرز و رهنورد راههای پرخطر و در نهایت آرام شمال! دختری شمالی که درد مشترکی بود با ژینا، به نام زن و هدف مشترکی داشت به نام آزادی! هنوز هم وقتی از شمال سخن می‌گویند، زنان زحمتکش و مبارزی درخاطرم تداعی می‌شود که سرد و گرم چشیده‌ی روزگارند. زنانی که هر لحظه‌ی زندگی با معناست، چون لحظه به لحظه‌اش را خودشان رقم می‌زنند. غزال جان ، کسی به سرعت گام‌هایت برای رسیدن به آزادی نرسید! عجب آرامشی دارد به اوج قله‌ی آزادی رسیدن! محفل‌تان خوش باد و مبارک! تو، ژینا و تمام دختران ایران، در نوک قله، برقصید و کل بکشید و همگان را دعوت کنید که چه هوایی دارد.





مهسا موگویی

دختری ۱۸ ساله اهل فولادشهر، که به دلیل شرکت در جنبش زن، زندگی، آزادی در ۳۱ شهریور توسط رژیم دیکتاتور و به وسیله اسلحه ساچمه‌ای جان باخت.

هجده سال داشت و در فولاد شهر می‌زیست، تفنگی را رو به او اشاره رفتند که بدنه‌اش از جنس افکار زنگ زده بود، در حالیکه او اراده‌ی فولادین داشت. دختر جوانی که مانند هر دختری، آرزوهای جوانی‌اش را یکی پس از دیگری می‌نوشت. دختر ۱۸ ساله‌ای که چشم به آسمانی آبی دوخته بود و افق نگاهش همیشه بلند بود. دختری که راه را برای دوستانش هموار ساخت. اون و تمام هجده ساله‌های ایران، هم اکنون دارند تاریخ را رقم می‌زنند.





آيسان معدن پسند

اهل تبريز، در ۲۸ شهريور در حالي كه همچون تمام جوانان سرزمينش شعار مرگ بر ديكتاتور سر ميداد بر اثر ضرب و شتم ماموران حاكم ديكتاتورجان سپرد.

مادرت تو را آي سان ناميد!

دختری از جنس ماه!

كه بدرخشد! كه بگويد شب دراز است و ما بيدار! ماه شب چهاردهی كه كامل است و همه را مات و مبهوت خویش ساخته است. مادری كه تو را دنيا آورد و تو را بزرگ كرد كه نمونه شوی! مادری كه تو را درس شجاعت بخشيد، حال چگونه به غير از اين اعتراف كند؟ چگونه شهادتت را مرگی عادی معرفی كند؟ چگونه خشم تو را نادیده بگیرد و بگويد مريض احوال بوده؟ اين حاكميت روح را آزد! جسمت را از ما گرفتند، اما روحت به معدن عشق و نور مبدل گشت كه راه بر تمام تاریکی‌ها ببند. تو نشان دادی كه آذربایجان همیشه بيدار است و بيدار خواهد ماند.





نام: شهید

متولد سال ۱۳۵۷ بلوچستان

برای تمام خواهر و برادرایم که هویت ندارند

نامت را شهید میخوانم و زادگاهت را وطن

در سرزمینی که حاکمانش ادعای عدالت دارند نامت را شهید گذاشتم که با

خون سرخت درختان به تاراج رفته وطن را دوباره سرسبز نمای.

نامت را شهید گذاشتم که چشمه ها و رودخانه های وطن را بار دیگر

بخروشانی.

نامت را شهید گذاشتم که با جان خود حق خواه ژینا و هزاران ژینا باشی.

نامت را شهید گذاشتم مهم نیست که حاکمان نامی برایت نگذاشتن مهم آن

است که همه جوانان با یک صدا نامت را فریاد میزنند که

شهدا نمیمرند، شهدا نمیمرند



خوانندگان گرامی شایان ذکر است که به دلیل مشخص نبودن هویت تعدادی از قربانیان نامهایشان در لیست قید نشده است. برای ماندگار شدن نام شهیدان قیام زن زندگی آزادی، لطفا با بازنشر این اثر ما را در تکمیل این آن یاری نمائید.

لطفا از طریق ایمیل زیر با ما در ارتباط باشید.

[kjardiplomasi@gmail.com](mailto:kjardiplomasi@gmail.com)

# زن زندگی، آزادی

